نقد مقالۀ «حجاب و پوشش سروگردن»

اخیراً مقاله‌ای از آقای احمد قابل دربارۀ حجاب بانوان منتشر شده که پوشش سرو گردن را برای آنان، لازم نشمرده است. آقای قابل در پایان مقالۀ خود چنین فتوی داده اند که:

«پوشش بدن را [برای زنان مسلمان] لازم می‌شمرم ولی پوشش سروگردن را مستحب شرعی می‌دانم».

این رأی از سوی آقای قابل که مدّتها در حوزۀ قم به تحصیل علوم رایج مذهبی اشتغال داشته‌اند، شگفت‌آور است چون با مدلول قرآن کریم و حدیث متّفق علیه نبوی ﷺ نمی‌سازد. در قرآن مجید می‌خوانیم که :

﴿ وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ﴾ (نّور : ۳۱)

یعنی «زنان مؤمن باید روسری‌های خود را برگریبانشان بزنند».

در اینجا لفظ «**لِيَضْرِبْنَ**» فعل امر است (امر غایب) و امر شارع برای «وجوب» می‌آید به دلیل آنکه در همان سورۀ نور می‌فرماید:

﴿ فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴾ (نّور:۶۳)

یعنی: «کسانی که با امر او مخالفت می‌ورزند، از اینکه فتنه‌ای با عذابی دردناک به آنان رسد، باید بپرهیزند.»

در اینجا چند نکته در خور یادآوری است. یکی آنکه تعبیر « **لِيَضْرِبْنَ** » برای بستن و محکم کردن روسری ها برگریبان بکار رفته تا روسری نلغزد و موی سر نمایان نشود؛ دیگر آنکه «**خُمُر**» جمع «**خِمار**» است که در لغت به معنای «**ما تُغَطّی بِهِ الْمَرْأَةُ رَأْسَها**» می‌آید یعنی: آنچه زن،

سرش را بدان می‌پوشاند. همانگونه که در قوامیس عربی آمده است. «**جُیُـوب**» نیـز بـه معنـای گریبانها می‌آید که جمع «**جَیْب**» باشد. پس آیه به لفظ امر، فرمان می‌دهد که زنان با ایمان بایـد دنبالهٔ روسری‌های خود را بر گریبانشان زده و محکم کنند تا موی سر و گردنشان پوشیده شود. با وجود این آیه روشن، باید دید چرا آقای قابل که اهـل فـضل و علـمانـد بـه عـدم لـزوم پوشـش سروگردن فتوی داده‌اند؟!

آقای قابل برای آنکه دلالت آیه مذکور را بر امر مزبور نفی کنند، نوشته‌اند: «الزام به ترک را رها کرده و با زبان توصیهٔ اخلاقی همچون: این برای مؤمنان بهتر اسـت ﴿ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ ﴾ (نـور: ۲۷) یا پاکیزه‌تر است ﴿ أَزْكَىٰ لَهُمْ ﴾ (نور:۳۰) و یا عفت ورزیدن برای زنان سالخورده بهتـر اسـت ﴿ وَأَن يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ ﴾ (نور:۶۰) به میدان آمده است.» به عبارت دیگـر، آقـای قابـل خواسته‌اند بگویند تعبیرات مزبور نشان می‌دهند که امر به پوشش سر و گردن ، مستحب است نـه واجب. در پاسخ ایشان عرض می‌کنم که:

اولاً قرآن مجید دربارهٔ حفظ فروج نیر فرموده است:

﴿ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ﴾ (نّور:۳۰)

یعنی «مؤمنان عورتهای خود را (از حرام) حفظ کنند که اینکار برای ایشان پاکیزه‌تر است».

ولی آیا حفظ اندام تناسلی از حرام، برای مسلمانان واجب است یا مستحب؟!

ثانیاً قرآن مجید به اهل تثلیث که به سه اُقنوم قائل بودند می‌فرماید:

﴿ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ ﴾ (نّساء : ۱۷۱)

یعنی: «به سه خدا قائل مشوید. از این عقیده باز ایستید که برایتان بهتر است».

آیا دست از عقیدهٔ تثلیث برداشتن به نظر آقای قابل، واجب است یا مستحب؟!

ثالثاً قرآن کریم در پی آیه ای که می‌فرماید: زنان مؤمن روسری‌های خود را بر گریبانـشان زده و محکم کنند، به هیچ وجه تعبیر «**ذلِک أزْکی لَهُمْ**» یا «**خَیْرٌ لَکُمْ**»را نیاورده بلکه در خاتمه می‌فرماید:

﴿ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾ (نّور:۳۱)

یعنی «ای مؤمنان، همگی به سوی خدا توبه آورید شاید که رستگار شوید»

و تعبیر توبه، آیه را به وجوب نزدیکتر نشان می‌دهد تا به استحباب!

رابعاً هرچند دربارهٔ زنان سالخورده که رغبت ازدواج با آنها نمی‌رود (**اللّتـی لایَرْجـوُنَ نِکاحـا**) می‌فرماید که گناهی بر آنها نیست اگر پوشش خود را کنار نهند ولی چنانچه عفیفانه رفتـار کننـد بهتر است، ولی از همین آیه فهمیده می‌شود برای زنـانی کـه رغبـت ازدواج بـا آنهـا وجـود دارد، داشتن پوشش الزامی است.

بنابراین آنچه آقای قابل نوشته‌اند که: «تمامی اوامر و نواهی موجود در آیات فوق (خصوصاً آیات ۳۰ و ۳۱) با توجّه به تعلیل موجود در آنها (**ذلِک أزْکی لَهُم**) حمل به عدم الـزام مـی‌شـوند، یعنـی أوامر آن استحبابی و نواهی آن تنزیهی (کراهتی) شمرده می‌شوند»! نتیجـه‌گیـری صـحیحی بـه شمار نمی‌آید چرا که در آیهٔ ۲۸ از همین سوره می‌فرماید: اگر شما آهنگ رفتن به منزل کـسی را داشتید و به در خانهٔ وی رفتید ولی او اجازهٔ ورود به شما را نداد، برگردید (**إن قیلَ لَکُـمُ ارْجِعـوا، فَارْجِعُوا**) سپس می‌فرماید: «**هُوَ أزْکی لَکُمْ**» یعنی «آن (بازگشت) برایتان پاکیزه تر است». اینک من از جناب آقای قابل می‌پرسم که: آیا ورود به منزل کـسی بـدون رضـایت او، حـرام اسـت یـا مکروه؟! و ترک ورود به آن خانه، مستحب است یا واجب؟!

پس از قرآن کریم، به حدیث نبوی ﷺ مـی‌رسـیم . دانـشمندان سـنّی و شـیعه در کتـب خـود آورده‌اند که:

«**أنَّ أسْماءَ بِنْتَ أبی بَکْرٍ دَخَلَتْ عَلَی‌النَّبیّ ﷺ وَ عَلَیْها ثِیابٌ رِقاقٌ، فَأعْرَضَ عَنْها وَ قالَ: یـا أسْماءُ، أنَّ الْمَرْأةَ إذا بَلَغَتِ الْمَحیضَ لَمْ یَصْلُحْ لَها أنْ یُری مِنْها ألاّ هـذا و هـذا وَ أشـارَ إلـی وَجْهِهِ وَ کَفَّیْهِ...**»

یعنی«أسماء دختر أبوبکر (خواهر عائشه) بر پیامبر ﷺ وارد شد در حـالی کـه لبـاس نـازکی بـر تـن داشت. پیامبر ﷺ روی از او بگرداند و فرمـود ای أسـماء، زن هنگـامی کـه بـه مرحلـهٔ حـیض رسـید، شایسته نیست جز چهره و دو دستش تا مچ، دیده شود (یعنی لازمست جز آن مواضع را بپوشاند تـا دیده نشود) و رسول خدا ﷺ به چهره و دو کف خود اشاره فرمود».

روایات ائمّة أهل بیت علیهم السّلام نیز در این باره که زن مسلمان باید کاملاً پوشـیده باشـد و فقط وجه و کفّین او، مستثنی است، نزدیک به تواتر رسیده است (چنانکه در تفسیر برهان بحرانی، در ذیل آیهٔ ۳۱ سورهٔ نور و در مجلّد ۲۹ جواهر و مجلّد ۱۴ وسائل دیده می‌شود.) بـا وجـود اینهـا، چه شده که جناب آقای قابل به رأی شگفت خود روی آورده اند؟ راز مطلب اینست که آقای قابل به کتب فقهی امامیه رجوع نموده‌اند تا از خلال آنها، حکم حجـاب را دریابنـد ولـی دچـار اشـتباه عجیبی شده‌اند! و به جای آنکه احکام حجـاب بـانوان را در «کتـابُ النّکـاح» پیگیـری کننـد، در «کتاب الصّلوة» تعقیب نموده‌اند! و در آنجا دیده‌اند که اقلّیتی از فقهای امامیه لازم ندانسته‌اند که بانوان در حال نماز، سرو گردن خود را بپوشانند. آقای قابل دچار اشتباه شده. و حکم زن نمـازگزار را به زنی که در خیابان و کوچه و بازار در برابر نامحرمان آشکار می‌شود، تسرّی داده اند! با اینکـه زن نمازگزار لزوماً در برابر نامحرم نماز نمی‌خواند و این دو مسئله با هم تفاوت دارند و نباید آنهـا را قیاس به یکدیگر نمود. ملاحظه شود که جناب آقای قابل نوشته‌اند:

«ایشان (صاحب جواهر) از قول شهید اوّل در الفیه و صاحب مدارک نقل می‌کند که نظـر آنـان عدم وجوب پوشش سرو گردن است و می‌نویسد: قاضی ابن برّاج ، عدم وجوب پوشش مـو را بـه بعضی از علمای شیعه نسبت داده است». آنچه را که آقای قابل آورده‌اند در جزء هشتم جـواهر در کتاب الصّلوه می‌توان یافت که تحت عنوان «**فی وُجُوبِ سِتْرِ الرَّأسِ لِلْمَرْأةِ فی الصلوة**»

یعنی «در اینکه واجب است زن، سر خود را در نماز بپوشاند» آمده است!

(و این، رأی اکثریت علمای شیعی است). آقای قابل با یک قیاس مع الفارق، حکم زنـی را کـه در خلوت نماز می‌گزارد با زنی که در میان مردان بیگانه رفت و آمد می‌کنـد، یکـی دانـسته‌انـد! و کوشیده‌اند تا فقهائی را نام ببرند که پوشش سر را در نماز، واجب نمی‌شمارند یا از این مـسئله بـا احتیاط یاد می کنند و سپس بدانها این نسبت را داده‌اند که فقهای مزبـور، پوشـش سـر را بـرای بانوان در کوچه و بازار هم لازم نمی‌دانند! با اینکه در همان کتاب جواهر مـی‌خـوانیم کـه اجمـاع علمای شیعه بلکه امّت اسلامی بر این امر استوار است که جز به صورت و دست زن نـامحرم، بـر سرو گردن و دیگر اعضای وی نتوان نگریست مگـر در حالـت ضـرورتماننـد معالجـه و غیـره. صاحب جواهر در این باره می‌نویسد:

«وَ لا يُنْظَرُ إلى جَسَدِ الأَجْنَبِيَّةِ وَ مَحاسِنِها أَصْلاً إلّا لِضَرُورةٍ إجْماعاً، بَلْ ضَرورةً مِنَ الْمَذْهَبِ وَ الدّينِ. نَعَمْ، يَجوزُ عِنْدَ جَماعةٍ أنْ يُنْظَرَ إلى وَجْهِها وَ كَفَّيْها مِنْ دُونِ تَلَذُّذٍ وَ لا خَوْفِ رَيْبَةٍ أو افْتِتانٍ.» (جواهر الکلام ،ج ۲۹، ص ۷۵)

یعنی: «بر بدن زن نامحرم و زیباییهای او اصلاً نباید نگریست مگـر بـرای امـری ضـروری؛ و ایـن مسئله مورد اجماع علماء است و بلکه ضرورت مذهب شیعه و بلکه دین اسلام شمرده می‌شـود. آری، نزد گروهی از فقهاء جایز است که بر صورت و دو دست زن (تا مچ او) بدون قصد لـذّت‌جـویی نگـاه کنند، در صورتیکه بیم نظر ریبه و افتادن در فتنه به میان نیاید»

آیا ممکن است که همهٔ علماء از یکسو بر این امر (که صاحب جواهر آورده) اجماع کرده باشند و از سوی دیگر به زنان اجازه دهند که با سرو گردن باز، در معرض دید مردان مسلمان قرار گیرند؟!

واضح است که اگر قرار بود سرو گردن زنان در منظر عام نمایان باشد و در عین حال مردان موظّف شوند که بدانها ننگرند، چه عسر و حرج شدیدی برای مردان مسلمان پیش می‌آمد که با آیه :

﴿ جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي ٱلدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ﴾ (حج: ۷۸) ابداً سازگار نیست. من از جناب آقای قابل[۱] و همفکرانشان می‌خواهم که در این مسئله، تجدید نظر نمایند و شرط انصاف و دقّت را بیشتر رعایت فرمایند والسّلام.

تهران- مصطفی حسینی طباطبایی
دی ماه ١٣٨٤

---

[۱]- آقای قابل در میان بحث خود، متوجّه شده‌اند که آراء منقول از علماء بیشتر مربوط به حالت زنان به هنگـام نمـاز است لذا چاره‌ای اندیشیده و گفته‌اند: «آنچه در نماز لازم نیست پوشیده شود، در مقابـل نـامحرم هـم لازم نیـست پوشیده شود»! عجب است که حضور خدای سبحان را با حضور مردان بیگانه، یکسان شمرده‌اند، آیا خدا همماننـد مردان مزبور، نامحرم است؟!